

قیمت سالانه
از وزرا واعیان دولت بقدر
معارف دوستی شان
برای مکاتب ملی و کتب خانهای ملی
و معاونین و وقارع نکاران (فهری)
رایگان
از عموم خزینه اوان در داخله
(۱۲) روپیه کابلی در خارجه
نیم پوند انگلیسی با محصول پوسته
از طلاق و محصلین نصف قیمت
نشماهه
داخلکله خارجه

درین جریده از هر کوته علوم و وقارع سیاسی
و منافع دولتی و فوائد ملی بحث می شود

اداره خانه
(ده افغانستان کابل)

سردیر

سید محمد قاسم

مهه امور تحریر به بنام

اداره فرستاده شود

اداره در انتشار و اصلاح مقلاط

وارده مختار است

هر هفته یکبار نشر می شود

او را فیکه درج نشود اعلمه نمی شود

از انسانی وطن هر که اهل دیده شد بدون خواهش
جریده برایش فرستاده می شود

قیمت یک شماره یک عباسی

(۸) روپیه (۷) شانگ

تاریخ شمسی ۲۴ میزان ۱۳۰۴ هجری

(شنبه) تاریخ قمری (۲۸) ربیع الاول (۱۳۴۴) هجری

قبل از ورود موکب شاهانه بروغرام مخصوصیکه نسبت
به تعیین ساعت برخول موکب ملوکانه و دیگر اجرامات آن روز
می گویند از طرف حضرت عالی عبدالعزیز خان وزیر داخلیه در
سر تأسیس قدهار انتشار یافته بود : ساعت (۲) را وقت ورود
موکب سعادت و کرامت آمود افتخار سلام و اسلامیان اعلیحضرت
امیر امان الله خان در محل (گنج خانه) که به مسافت چند میل
جانب شرق شهر وقوع دارد نشان داده بود . ولی جوش عقیدت
و خروش خلوصیت این سرزمن اهالی را فقط ما بعد علم صحیح
کشان کشان بعترف جانب شرق شهر برای انتشار اشراق اتوار
ضیا بار تاجدار دستدار شان برده در اخذ موقع و محل برای
دیدن منظره موکب شاهانه یک بر دیگر سبقت جسته و از اوضاع
والطور اهالی نسبت بورود ذات جهان بانی چنان مشاهده می شد
که هر لمحه انتظار برآنها پشت از عالم فراق چندین سال دشوار
گذار بود . و همین آرزو و تمنا را بدل می بروانیدند که اگر یک
نمایه پشت از جسم های هجران دیده و احساس فراق کشیده شان
بدیدار تاجدار غازی منور گردد جه قدر یک سعادت عظیم و نیک
بخی بزرگ شان خواهد بود .

اطراف و جوانب سرکهای شهر از داخل و خارج بعلم های
گوناگون و جهنده های بوقلمون آراسته شده بود . و عایات
دعاییه و کلات استقبایه مخطوط نهایت جلی و خوانا برآسته گشته
دروازه های متعددی بمقامات لازمه سرغلک کشیده بود و بالقسام
تکه های خوش زیب در نمایش وزیبائی آن افزوده و بحمله
های شوقيه و کلات اخلاقیه و خیر مقدمه خط و خال آن آراسته

ورود سعادت اندود

(اعلیحضرت معظم غازی)

(به قند هار)

شی واحد باعتبارات مختلفه و ظروف جدا کانه حیثیت و قدر
جدا گانه پیدا می کند وابن قصیه از اجلای بدیهیات است که
هر کس به نفس خود تأمل نماید امته و شواهد جاریه غیر متناهی
برای آن پیدا کرده می تواند . ورود پادشاه در یک قلعه نملکتش
در نظر اهالی قدر و قیمت زیادی دارد . ولی اگر پادشاه چنان
پادشاهی باشد که تمام آسایش و راحت خود را وقف آسایش
مات خود نموده باشد و شب و روز در تهیه وسائل ترق و عمران
ملکت خود باشد و نظر به این مات او را از جان عزیز و از بدر
مهر بان قر بداند و برای اجرای افکار عالیات واردات شاهانه
قیمتدار او بقدا کاری حاضر باشد . و کاهی لقای فرحت انتقامی
همچویه پادشاه محبوب خود را هم ندیده باشد . قوه مقتدره
خیالیه و وهمیه هیچ یک شاعر . کاتب و رسام منظره معنوی
وسوی و رود اینجین پادشاه را به پیش همچویه ملت و بعد از
عمرها انتقام نمیتواند بیان . تحریر و رسم نماید .

بنام علیه قم از بیان و نشان دادن کیفیت ورود سعادت نمود
شاهانه به قدهار و اطمینان احساس مردم . شفف و مسروک و چک
و بزرگ آنچه عاجز است محض آنچه همکار محترم جریده شریفه
ملوک افغان در اینخصوص نگاشته است برای استحضار قارئین
محترم در اینجا می نویسیم .

امان وحدت

۱۳۷۳

گشته دروازه ها و دکا کین شهر بلا استناء تمام آینه بندان
شده بقالین های عالی و رختهای قیمتی پیراسته شده تمام مقاماتیکه
در خط حرکت هایی داخل بود آب دیده های پر از شوق
لقای خسروی آب باشی و بنز کاهای پراز ذوق بادشاهی جاروب
کشی شده بودند .
با جمله موتور سیا رفتار ذات اقدس شهر یاری پوره ساعت
در مقامیکه به حاجی عزیز معروف است نمودار شده واز انجا
از موتور فرود آمده با آن ذوات مکرمی که هر کاب شان بودند
بر سرعت ناز دلبری سوار گشته بشکار نمودن دلهای محبت منزل
اهالی تعصیم نمودند .

الله تعالیٰ ترقی و سربندی شمارا بردو دنیا میخواهم .
من میخواستم در خصوص آمدن خود اطمینانی به شما
نمایم ، مگر شما بسیار می باشد و خداوند ازین هم شما را
بسیارتر کند . اگر چیزی بگویم شما از سبب کثیر تان سخن
های مرا شنیده نمیتوانید . انشاء الله يك روز دیگر همه شمارا
میخواهم و همراه تان مجلس می کنم اکنون محض باشما احوال
بررسی زبانی نموده زیارت خرقه مبارکه مشرف میشوم .

سپس ازان طبله معارف را دیدند و باهر کدام آنها علیحد
علیحده احوال برمهی فرموده ازان گذشتند بعد ازان بر هر
جمعیت عظیم و از حمام کثیر اقام که میرسیدند باهر يك احوال
بررسی نموده جواب هر خیر مقدم شان را میگفتند و در عین زمان
سر دروی مردم را از رکاب خود بازداشتند بسوی تسلیت
بد انها که خود را کشته و بسته گرفته هر نوعیکه میتوانستند
و هر ذریعه نمکنه که می بود رکاب فلک فرسای شاهانه را
می بوسیدند بالای سطح بیوت و بهمها مردم نیز دعا کویان بنظار
می آمدند والهفاظ و جوانان شاخهای بلند درخت را که از شوق
لغای ملوکانه بر آن بالا شده بودند سر نشیب کرده بود .

محتصب اینکه ذات شاهانه از سرک شرقی بکمال آهستگی
وشیرین زبانی و خندم پیشانی و احوال برسی از دحام ائمها شکافته
شکافته مع الخیر داخل دروازه کابل شده همچنان حرکت کنان
از راه بازار شام داخل ارک شده از افعا بکمال عجز و نیاز
داخل عمارات خرقه شریف شده بعد از اخذ تین و تیک وزیارت
آن باز در همان از دحام وابوه اهالی داخل سلامخانه شدند .
درینجا عموم مامورین و وكلاء صفت استه احترام بودند
ذات شاهانه اندر و فقهه فرموده خستگی خود را تخفیف داده
و چند جرعه آب نوشیده سپس ازان در رکاب صوف مامورین
و وكلاء ایستاده نطق را که ماحصل آن ذیلاً مرقوم میگردد
ایراد فرمودند :

نطق اعلیحضرت غازی در چمن سلامخانه برای مامورین و کلای ملت:

اولاً از خداوند سلامت و عافیت شمارا میخواهم !
(به افغان) خواهش دارم که باشما بزبان افغانی که نزدمن
محبوب است . سخن بگویم : ولی چون که زبان اکثر مامورین
فارسی است به فارسی تکلم می نایم تا همه بدانند مقصد ازین
آمدن قدهار ساعت تیزی و تقریب نیست باشکه چون قدهار
از متبرک ترین شهرهای افغانستان ویکجای مشرف و متبرک
شمرده میشود . این عاجز دران بقسم فال یک بفرض زیارت
قبلاً بر میزناها چیده شده بود مشغول و اتن ملی نیز اجرایافت

شماره (۲۹۰۲۸) (امان افغان — سال ششم)
شماره (۲۹۰۲۸) (امان افغان — سال ششم)
خداد شمارا به قدهار بیارد ای بادشاه
ای دوای امراض ما . خوش آمدی :
قریب . شهر و وطن از خود شمات
ای عزیز ما بخانه خود . خوش آمدی :
تو بادشاه و ما رعیت فرمان بردار تو هستم
ای او لو الامر مهربان . خوش آمدی :
در سایه شما تمام افغانی آرام اند
ای سایه بان سرما . خوش آمدی :
قد همار از قدم شما کنار شد
دیده های ماروش شد بدیدار تان . خوش آمدی :
برای دیدن شما همه ما شنه بودیم
ای باران رحمت . خوش آمدی :
سعادت ما مربوط بوجود شما است
خداد نگهبان شما باد . خوش آمدی :
افغان هارا سربلند نمودی ای شاه
پیش خدا سربلند بانی . خوش آمدی :
اگر استقلال است یا آزادی یا ترقی
همه از شما وجود درفت . خوش آمدی :
ای امیر غازی ! امید بزرگی بتداریم
ای امیدکار و صاحب احسان ما . خوش آمدی :
کفر . از چهار طرف مارا احاطه نموده است
ای حامی بزرگ اسلام . خوش آمدی :
ای مسیحانفس ! ما بتو زنده ایم
ای روح و روان وطن . خوش آمدی :
افغان . از خیر تا کشمکش
بهر جا که هست از شما فدای شود . خوش آمدی :
آمدن تان به قدهار فال مبارک است
ای روح و روان مات . خوش آمدی :
قدمهای شما بردیده های ما هر وقت بیایند
ای باغبان باغ هرفان . خوش آمدی :
شانگردن مکاتب به شما خوش آمدی می گویند
خوش آمدی ای شاه شاهان . خوش آمدی :
خداد شمارا از ما سالمهای بسیار نگرد
ای بagan و حامی ما . خوش آمدی :
در حتم ترانه اعلیحضرت غازی از کمال شفقت یدرانه
سر و چشم شانرا بوسیده نوازن ملوکانه فرمودند .
ذات شاهانه در حقوق با حاضرین محفل بصرف میوه هایشکه
قبلاً بر میزناها چیده شده بود مشغول و اتن ملی نیز اجرایافت

ولی شهریار دستدار ما از جمیت ادای نماز عصر اتن را مuttle فرموده شروع بادی فریضه کرد و بعد از فراغ صلوت باز عده از جوا نان ملت قندھار تا وقت نماز شام باشند برداختند. بعداز ادائی نماز شام حاضرین را رخصت فرموده ذات استوده صفات اعلیحضرت هایونی با اینگاه خود تشریف فرماده مجلس خاتمه یافت.

(درود شفقت آمود علیا حضرت صاحبه)

استفتاء صحیح بعمل آید همه بحکومت ترکیه اظہار رضایت میکنند اما انگلیسها نظر خودرا به چشم های تیل موصل دوخته نمیتوانند آن را به آسانی از دست بگذارند. و برای عالم آن حفظ عراق حفظ اهالی موصل و امثال این دلائل و شواهد غیر منطقی اظہار میکنند.

در کنفرانس اوزان در خصوص این مسئله چنین قرار یافتد که بعد از یکسال خود طرفین بذا کرات آن را تصفیه نمایند.

وقیکه موقع آن رسید انگلیسها تصفیه را به مجمع ملل محول نمودند. اگرچه ترکها به این را خی بسوند ولی بالآخر نکنند کردند. از طرف مجمع یک کمیون مقرر گردید که رفته بموصل تحقیقات و تفییقات لازمه بعمل آورده معلوم گشتند که تعابیل مردم به کیست. چون کمیون به موصل رسید. انگلیسها هیئت ترک را به انواع تهمتها متهم ساخته مثل اظریمند نگه داشتند و باین صورت شوانند مدارک و اسناد خود را به کمیون مجمع درست نشان بدھند.

با جمله کمیونی که از طرف مجمع اتفاق ملل برای رسید گی یائیکار معین شده بود را پورت قاطعی نداده بلکه مثل عناصر پیغام روی خوش بھردو طرف قصیه نشان داده و طرفین قصیه را تقریباً متساوی دانسته اند.

راپورت مزبور بجای یائیکی از طرفین را راضی و دیگری را ناراضی کند هردو طرف را ناراضی کرده است هم دولت ترکیه در صدد جواب باین راپورت و اعتراض بدان و تهیه اسناد خود برآمده است وهم جرائد انگلیس ظاهر اظہار ناراضی از راپورت کرده اند.

علت این خواسته را پورت دادن نیز معلوم است: عناصری که برای ایسکار معین شده بودند از دولت پیطری بودند و لذا هایچ دلیل سیاسی موجود نبود که انتہا یکی از دو طرف قصیه متشابه نشان دهد.

و از طرف دیگر بعث هیئت از اروپا بشرق برای رسید گی یائنه تعاملات و احسانات اهالی یک قطعه از مشرق چنان عملی پیغام روی خوش آمدید و مانده بنشاید گفته از هر طرف برموز حضرت مددوجه گلمه شار نمودند.

قصیه موصل

از قضایای مهمه که انتظار علم مخصوصاً دنیای شرق را بخود متوجه ساخته قضیه موصل است. این یک ظاهر است که موصل یک مملکتی است که از سالها حکومت ترکیه بران حکمران بوده و اکثر اهالی آن ترک و از نسل ترک اند و اگر

بهر حال چون مسئله به مجمع محول گردید، مجلس بعد از ملاحظه رایت آن را به یک مجلس فرعی محول نموده تا اظہار عقیده در آن خصوص بناید. بعداز آن مجمع حس کرد که قبل از رای قطعی درین موضوع دادن، پایستی تفسیر آن ماده قرار داد کنفرانس اوزان را که تعلق باین مسئله دارد برای خود معلوم کند. اگرچه تفسیر آن ماده را خود مجمع میتوانست ولی تودیع صلاحیت تفسیر را به دیوان عدالت (لاهی) ترجیح داد.

نسبت باین قرار مجمع، افکار جرائد ترک و انگلستان مشابه است. ترکها اکثریه آن را بانتظر خوب نه می پنند. بعضی جرائد انگلیس هم اظہار شکایت می کنند.

فی الواقع این وضعیت اخیر که از طرف مجمع اتفاق ملل در قضیه موصل احداث گردیده از یک نقطه نظر برای ترک ها مساعد نیست، چون که افکار عمومیه ترکیه و حکومت ترکیه التزام نموده اند که شیجه بسرعت معلوم بشود و این مقررات مجلس در خصوص حل مسئله یک تاخیر جدیدی احداث کرد. و نیز چونکه تاخر درین موضوع از هر گذرنی که باشد در مسئله تأسیس صالح و سکون قطعی در شرق یک مانع طبیعی تشکیل میدهد، حکومت ترکیه و افکار عمومیه آن ازین قرارداد عدم مبنویت حس نمی نمایند.

عقائد بعض جرائد ترکی را که در این خصوص برای ما معلوم شده در ذیل می نویسم.

جریده ملت: مجمع اتفاق ملل آنقدر عجز و ضعف خود را نشانداد که از او انتظار نمیرفت.

جریده جمهوریت: هیئت زینو در برای بر حفظ مبادی استعمالیه انگلیس بر خود میلرزد.

جریده اقبال: قرار مجلس یک قراری است که هیچ منطق ندارد.

حاکمیت ملی: مجمع اتفاق ملل بدست خود رسیمان را بگردان انداخت و خود را انتختار نمود.

هکذا غالب جرائد ترکیه همین نوع عقائد اظہار داشته اند که بمحض اهليت حل این مسئله را ندارد و زودست که افلاس خود را درین خصوص اعلام کنند.

لاکن خریده اقدام قرار مجلس را غور دیگر دیده میگوید مسئله موصل از اهم مسائل حیاتی است و حل آن بدون بحث دقیق امکان ندارد. پایستی که افکار عامه ترکیه اعتماد خود را از مجمع اتفاق ملل سلب نکند. مخصوصاً که تقریبی ترکیه در این اواخر در مجمع بسیار پیش رفته است. چنان یک باعث اطمینان است، وجود بعض رجال است در مجمع این قضیه آنها را نمی توانند ودار کند بطریق دارای معاون

خود هیئت در باب تقسیم می نویسد «کمیون توصیه می کند که اگر تصمیمی در خصوص تقسیم گرفته شود خط سرحدی باقی تقریباً رود « زاب صیر» باشد » باز می نویسد که «نظر به وضعیت جغرافیائی و اقتصادی مملکت، احساس اکثریت اهالی موافق بالامداد به مملکت عراق است» آن وقت این قضیه را مشروط باین می کنند که عراق (۲۰) سال دیگر در تحت نظر مجمع اتفاق ملل قرار گیرد.

ولی چنانچه بعد از چهار سال جامعه اتفاق ملل خاتمه به معاهده انگلیس و عراق بدهد، چنین صالح بینی میشود که اراضی مزبور در تحت حکومت ترک واقع شود! اگر این عقیده هیئت اعزامیه را بطور ساده تا قبیم خیلی مشوش و تاریک سظر می رسد زیرا اولاً هیئت اعزامی برای مطالعه تنبیلات اهالی و اظہار عقیده در دعاوی حکومت ترکیه و حکومت عراق ماموریت داشته است که اینکه صلاح اندیشه کند تا اینجا این اتفاق اوضاع اقتصادی و جغرافیائی اهالی را متمایل برای میکند شرط پیست سال نظارت مجمع اتفاق ملل چه معنی میدهد؟

و در صورتیکه معاهده انگلیس و عراق بعد از چهار سال خاتمه بیدا کند چرا باید ماجراج برکیه شوند، در صورتیکه خود آنها می گویند که احساسات اهالی متعایل برای اتفاق است.

مگر اینکه این قسم از رایت را بر این حمل کنیم که مقصود آنها تقویق اهالی عراق است باینکه مدت معاهده انگلیس و عراق را تمدید کنند و مجمع اتفاق ملل هم قطعاً این تمدید را تصویب خواهد کرد پس موصل بطور ختم ماجراج خواهد شد

باز از نکات قابل توجه در این رایت این است که میگوید اسکر نقطه نظر قانونی را مدرك قرار دهیم ناخیه موصل جزو لایتجزای ترکیه است.

چرا؟ در صورتیکه کمیون احساسات اهالی را متعایل برای تشخیص داده است و از طرف دیگر بقول جراید انگلیس تأجیه مزبور «بزوف سرینه از ترکیه متنزع شده است» دیگر کدام مدرک قانونی آنرا جزو لایتجزای ترکیه میداند. مگر باز این قسم را برای وزن شعر آورده باشد، یعنی برای اینکه بطریق خود را حفظ کرده و از طرز رایت هیچگونه حکمی ظاهربرانه یکی از دو طرف قابل استخراج و استباط باشد این قسم ذکر شده باشد لذا شرط «صرف نظر کدن ترکیه از حقوق معنوی خود در عراق» را نیز ضمیمه این قضیریه آخری نموده اند.

را آگر بطور سرتشارین اهالی تقسیم کنند بهر کدام پیش از دو فرانک مالیات اضافی تعلق خواهد گرفت : مردم زیر بار این مبلغ نخواهد رفت ممکن است موجب شورش و هیاهوی آنهاشود !

مجدداً جمعیت تشکیل شد که به سند چه یا بد کرد و این دفعه رای دادند از پادشاه ایطالی تقاضا کشند زیرا گفت حکومت قرانه جمهوری است و چنان پاس خاطر سلاطین را نمیکند و چون پادشاه ایطالی خودش سلطان است احتمال میروید معامله را از امتر ختم خاید .

بدین مقصود مراسله دیگری بایطالیا نوشته و جواب آن هم بزودی آمد : دولت مزبور جواب داده بود که با کمال مسرب ماشین و متخصص را ممکن است اعزام دارد و کلیه مخارج آن باضمای مخارج حل و نقل پیش از دوازده هزار فرانک نخواهد شد این معامله نسبتاً ارزانتر بود ولی باز هم خیلی گران بنتگر میباشد . یک مردکه بسر و بای او باش باین مبلغ نیاز زد و هنوز هم تقریباً هر فردی از افراد مملکت دو فرانک مالیات تحمل میشود هیئت مجددی تشکیل و دوباره تبادل ازاء و مشاوره کردند که جگونه این امر را با خارجی ارزان ترا انجام دهد

آیا یکی از سربازها نیتوانست هر طوری هست بطور ناقص وی مهارتی اعدام را صورت بدهد ؟

ناگوی سرتیپ فوج را احضار کرده و باو گفتند : « آگر بتوانی یکنفر سرباز را حاضر کن که مراسله قاتل را بسند : در جنگ و قال که اینها از کشتن مردم و ربختن خون بالک ندارند و اساساً برای همین مقصد تربیت و استخدام شده اند » سرتیپ باز از خود راجع باین موضوع مذاکره کرد و برسید کسی حاضر است باین اقدام تن در دهد لیکن همکی منفی از قبول آن امتاع ورزیدند و جواب دادند « ما نیتوانیم چطور از عده این امر بر آیم — ما برای سر بریند و میر غصی خاضر نیسیم »

جه باید کرد . چه نشانه باید کشید — هیئت وزراء باز تشکیل شد و قصیه را معرف و مورد بحث قرار دادند — کمیون و کمیون و انجمنی تعین کردند و بالاخره چنین صلاح اندیشیدند که حکم اعدام را مجس اسد بدل سازند — بدینویله هم سلطان نیتوانست اظهار اطف و مر جنی کرده باشد و هم سیاست را ارزانتر نکرد که باید کرد .

سلطان با این تصمیم موافقت نمود و حکم ثانوی صادر شد لیکن باز یک مانع در کار بود و آن این بود که محل مناسبی

مردم امروزه از اصل نقطه و ناحیه برای قاره (موناکو) شناوه و خواه ببرند یا بیازند سلطان در هر صورت منفعت خود را نمیکند

ضرب المثل معروف است که « باگسب مشروع نیتوان قصر سنگی بنای کرد » و سلطان مو ناکو آگر چه میداند این عایدی و معامله اوتا مشروع است ولی نکایت چیست و جز این چه باید میکند ؟ تهها مالیات دخانیات و مسکرات چندان کاری از پیش تمیزد و معیشت اورا تامین ننماید .

بدین طریق سلطان (موناکو) زندگی و سلطنت میکند و بخوبی دل بول فراهم آورده باشه تصریفات و آداب پاک سلطان حقیقی دربار خویش را راه میرید . مائند سایر سلاطین جشن تا جگذاری و تولدی میگردند ، خلعت مدهد حکوم میباشد . عفو میکند ، هیئت مشاوره و وزراء و عدیه دارد و قوانین وضع مینماید .

از قضایند سال قبل در مملکت بازیمجه این سلطان قتل اتفاق افتاد و چون اهالی آنجا همیشه باصلاح و آرامش زندگی کرده بودند این یک حادثه مهم و ناگهانی در حیات آنها بشار میعرف هیئت قضاه با رسوم و تصریفات کامل گرد آمد و به بهترین وجهی قضیه را تحقیق کردند : قضاه . عدول شهر و مدعا العموم مدنی در اطراف قضیه بحث و محکمه کرده و عاقبت حکمی صادر نمودند که موافق قانون سرفتل را ببرند .

تا اینجا همه چیز بسهولت و خط طبیعی سیر کرد و حکم حکمه را هم برای اجرای سلطان تسلیم کردند : سلطان حکم را ملاحظه و تصویب کرد و گفت « اگر این شریز را باید کشت بسیار خوب . اعدامش کنید »

لیکن یک مانع کوچکی در راه اجرای این حکم بود و ان این بود که در تمام مملکت نه یک ماشین اعدام (گیوتین) بود و نه یکنفر میر غضب (جلاد) بیندند .

هیئت وزراء تشکیل شده زمانی مسئله را بحث و بالآخر تصمیم گرفتند از دولت فرانسه خواهش کنند که یک ماشین و یک نفر متخصص اعدام (میر غضب) باشند و میتوانند بدهد و قیمت آنها هر چه میشود بتوجه مراسله فرستاده شد و هفته بعد جوانی رسید که ماشین متخصص فرستاده میشوند و قیمت آنها میباشد ۶۰ هزار فرانک خواهد بود .

سلطان در قرائت این جواب زمانی تأمل کرده گفت : « این شریز اوضاع باین مبلغ ارزش ندارد : باید کاری کرد که ارزانتر از این نکام شود : شصت هزار فرانک

ما دیگر نمیخواهیم ترا نکاه داریم و وزیر عدیه باین قصد امر باحضور او داده و گفت « ما قراول ترا برداشته ایم و حال هر کجا نخواهی بروی آزادی اعلیحضرت شاه هم ترا تعقیب نکرده و کاری بتوخواهند داشت »

حکوم جواب داد : « من خودم میدانم که قراول هم برداشته و سلطان هم کاری بعنخواهند داشت : لیکن اشکال در این است که من جانی را ندارم که از اینجا بروم — نهایا باحکم خود اخلاق و روحیات مرا فاسد کرده اید و به طرق بروم مردم از من رخ خواهند تافت — بعلومن من حرفة و مشغله خود را فراموش کرده و در مدت محبوسیت به تبلی و بیکاری عادت کرده ام شما باعن خیلی بد معامله کرده اید : این کار خوب و بسندیده بود : اولاً همینکه مرا محاکوم باعدام کردید باید در آن موقع مرا بقتل رسانیده باشد : اما شما موافق حکم محکومیت عمل نکرده و من نیز از آن شکایت شودم بعد از آن بخیس ابد محاکومم کردید و قراولی بکسر جسم گذارید که غذای مرا بیاورد — بعد ها اورا هم بزید و من بخیور شدم خود غذای خود را از مطبخ بیاورم : در آن موقع هم شکایت نکردم

لیکن حال نمیخواهید من از اینجا بروم : با این حرف نمیتوانم موافقت داشته باشم : شما هر چه نمیخواهید بکنید اما باید از این محل بجانی نخواهم رفت !

چه باید کرد : قاتل برای رفاقت حاضر نیست : باید فکری اندیشید : هیئت وزراء دوباره تشکیل شده و زمانی مذاکره و گفتگوی گردند عاقبت یک راه برای دفع شراآور بدهست آوردن و آن این بود که وظیفه و مستمری برای وی مقرر کشند و غدر او را نخواهند : وزراء نتیجه تصمیم خود را همین گونه بعرض شاه رسانیدند و اظهار داشتند غیر از این راه دیگری بنتظر نمیشد

سلطان نیز به تصمیم آنها صحه گذاشت و سالانه مبلغ ۶۰۰ فرانک مستمری قرار داده به محبوس اعلام داشتند — قاتل جواب داد « برای من تقاضی نمیکنم و در صورت که شرط کشید آرا مرتب به پردازید من برای رفاقت حاضر خواهم شد »

قصیه عاقبت باین ترتیب حتم شد و قاتل ثالث مستمری خود را بطور مساعدگر فنه و از گشور شاه خارج شد : دور ربع ساعت بمرحد رسید و بلا فاصله قطمه زمینی در الجما ابیاع کرده به بالغی و صیغه کاری مشغول شد و سلا روزگاری باکال

برای جلس ابد حاضر نداشتند — فقط یک اطاق کوچک محتری بود که کاهکه یکنفر را موقتاً دران توفیق میکردند

زندان بزرگ مستحکمی که برای استعمال دائم شایسته باشد پیدا نمیشد مقابت بهر ترتیب بود محل مناسبی پیدا کرده جوان را در آن محبوس ساختند و قراولی بکشیت او کاشتند — این قراول هم محبوسرا مراجعت میکرد و هم غذای او را از مطبخ سلطنتی برایش میباورد

محبوس مدت یکسال در زندان ماند و در سر سال که شد سلطان روزی بصورت عایدات و مخارج خود نظر انداخته و دید قلم جدیدی بر مخارج افزوده شده است — این قلم مخارج توقف قاتل بود و الحق قلم کم و کوچکی هم بود — یکنفر قراول مخصوص که نهایا برای پاسبان او حقوق میگرفت و غذای محبوس هم که برآن اضافه میشد سالانه ۶۰۰ فرانک بالغ میگشت بدتر از همه آنکه شخص محاکوم جوان و شومند و نمک بود « سال دیگر زنده بماند و اگر کسی درست حساب کار را میگرد مبالغه عده مهمی بنتگر میباشد .

سلطان ناچار وزراء را احضار کرده و گفت : « باید راه از زانی برای تنبیه و سیاست این لوطنی پیدا کرد — طریقه که تا محال اجرا شده خیلی گران نام میشود »

وزراء باز قصیه را تحت شور و مدافعه آورده و بالاخره یکی از آنها اظهار عقیده کرده آفایان بنتگر من برداشت اسراز قراول را از درب زندان او برداریم »

دیگری گفت « در اینصورت محاکوم فرار خواهد کرد » جواب داد « بهتر . بگذرارید فرار کنند و هر گوئی میروند بروند بنا براین نتیجه تصمیمات خود را تأییا بمحضور سلطنت عرضه داشته و سلطان پارای آنها موافقت کرد — قراول را از درب زندان برداشته و منتظر نتیجه شدند لیکن نتیجه که از این اقدام جدید حاصل شد این بود که محاکوم در موقع ناهار از محبوس بیرون آمد و چون قراول را نمیدید مستقیماً به مطبخ سلطنتی رفته غذای خود را گرفت و بمحبس مراجعت نمود و درب زندان را بروی خود بسته مطابق معمول به صرف غذا نشست

روز بعد نیز نظیر عمل روز گذشته را بجا آورد و گزین علامت بخیان فرار از او مشهود بود ا

چه باید کرد ؟ محاکوم فرار نمیکند — دو باره هیئت تشکیل شد و ایندیمه تصمیم گرفتند وسماً باو احتفار کشند که

فراغت و آسایش میگذرد.

درسر موقع . مستمری خود را در یاف داشته بادو سه فرائض آن بعمار خانه میرود و کاهی ملتفی برده و کاهی هم می بازد و باز نیز صراحت می نماید - هرچه هست که امروز باسوده کی ورقه زند کانی میکند.

خوب شد که این شخص جنایت خود را در مملکتی مرتکب نشد که برای بردن سرو جس اید از بدل هیجده عارج عظیم و گراف مصایبت نمیکند

کیوان - شفق سرخ

حوادث خارجیه

(سویس)

بالآخر . کنفرانس لوکارنو با تبادل امعاء معاہدۀ امداد خانه پذیرفت . مطابق معاہدۀ مژبور مدول آلمان و فرانسه و بلژیک متعهد شدند که در هیچ مورد متول مجنگ نگردیده مصوبیت سرحدات (رن) را محترم بدارند - انگلیس و اطالیا ضامن اجرای این ماده معاہده خواهند بود . هم چنین آلمان باز رسماً از آزادس و لون دست کشیده در آئیه پر غنیمت واند برخلاف تعهد خود رفتار کند . بالآخر بایند قرارداد منعم دیگر آلمان و هسایگان شرق و غربیش با استثنای روسیه تعهد نمودند که کلیه اختلافات را محکیت رجوع نمایند . در جلسه آخرین کنفرانس لوکارنو موسیو استریمان اطماد داشت که با کمال آسایش خاطر خوشوقی نماینده کان آلمان معاہده را امعنا مینمایند .

موسیو بریان روز یکشنبه از لکارنو حرکت کرده تا برای روز دوشنبه به پاریس برسد .

این معاهدات امداد جون فشنون ولوازم جنگی کم میشود البته اوضاع مالی اروپا بهتر خواهد شد .

چین *

۲۴ میزان - اطلاعات شنگانی نشان میدهد که جنجال (سن جوانگ فونگ) حکمران نظامی (چیکانگ) که معاون جنجال نصرانی (فنگی هویانگ) است داخل شنگان گردید واعلان داد که (چوانگ سولن) ملزم و ملامت است افواج تعقیب قوه مارشال مذکور را در (تائکنگ) مینهایند .

۲۵ میزان - از اطلاعات شنگانی معلوم می شود که حالت (میل آرد) در چین پیجده است . جنگ در بین (چوانگ سولن) و (فنگی هویانگ) که به (جنفال نصرانی) مشهور است ، ختمی است چون که هریک از آنها (۲) صد هزار فوج مسلح تحت اطاعت وامر خود دارند . و در عین زمان مارشال (دشت فویا) با (۱۸۰) هزار فوج خود تهیه محاربه ایام سرما را می بیند .

(هندوستان)

خانم لارد ریدنگ سال دارد . داکتر هامشواره داده از که براو عملیات جراحی بشود . بنابران بکلکته میرود . ازین باعث واپسای اراده رفق خود را ببلوچستان و صوبه سرحدی فسخ نمود .

وزارت قوای هوانیه به کمبانی و آر - مستر رنگ کنفر کشن « انشاء بک جنان مرکز قوه هوانی را در کراچی اجازه داده که از تمام مراکز قوای هوانیه دنیا بزرگتر باشد . جوایزک حکومت به نماینده های مالکین کارخانه ها راجع به استداد مالیات گمرکی داده است . در حلقه های تجاری بیان ایجاد یاس تمام نموده است .

(یونان)

از بیک خبر مجری و اینا معلوم می شود که در یونان قانون نظامی (مارشل لا) اعلان شده است . معلوم نیست که باعث احراری این قانون چیست (ز، انگلشیم)

ریس جمهور . در قصر ریاست خوش . لائمه را که حاکم است به تصدیق دستوریکه هیئت مقنه وضع نموده باستنای موادی که تعلق دارد با تغییر نسبی وباراده افکار عامه حذف شد . امعنا نمود .

(روسیه)

موسیو (فلجیرن) معتمد موسیو (جیجیرن) از برلن بواسطه زیل . ماسکو میرفت . به ماسکو ۶۰ میل مسافه مانده بود که چند نفر مسلح داخل واقع شد . میان اینها شنگنگ واقع شد .

که در مدت جنک زمامدار بوده اند اظهار عقیده کرده است فقط در مورد شخص فیصل سکوت کرده و راجع با اظهاری نمی نماید . همینقدر در یکی از فصول کتاب می نویسد :

فیصل مخلوع آلمان متصف بصفات عالی و اخلاقی بوده و کامل بمسئلتهای مقامی خود بی برده و یکی از طرفداران جدی صلح بوده است . در جای دیگر مینویسد فیصل به چیز جه خواهان جنک نبوده است .

منظور از تحریر این کتاب بطور یک بعضی ها تصور مینمایند این نبوده است که دلایل برای نیوم تجدید نظر در معاہده ورسای و نقشه داس ذکر می نماید بلکه فقط خواسته است اطمینانی را که گلنسو در ۱۶ زوئن ۱۹۱۹ در باب ماده ۴۲۱ معاہده صلح ورسای نموده و خواسته است تفصیر جنک را کامل متوجه آلمان سازد تردید نماید . ولیعهد آلمان در این کتاب خاطر نشان نموده است که اگر در این قسمت موجبات رضایت خاطر آلمان فراهم شود یعنی مسئولیت وقوع جنک تا اندازه از گردن این دولت مرتفع گردد آلمان می تواند تامدی اخلاقی و معنی خود را راضی پنداشد .

هر چند در این اوخرایین فکر در همه جا کسب قوت نموده است که آلمان تها در جنک مقتصر نموده و عنصر ماجرا جوی دیگری هم آتش این کار زار جهانی را دامن زده اند ولی بطور یک گفتیم این فکر را هنوز نمیتوان علی روی اشهاد عالی نمود مسلم است پس از اینکه این تهمت تا اندازه از آلمان رفع شد دولت مشاریها خواهد توانست خود را بحضور جامعه ملل حاضر و آماده سازد . ولیعهد آلمان در این قسمت مخصوصاً پشت بسط مقال کرده و میگوید تهمت مقصوبون آلمان در وقوع جنک مانند داع تباہی است که بر پیشانی آلمان زده شده باشد .

(کرن برتر) عقیده به تجدید نظر در معاہده صلح ندارد و تا چند سال دیگر این اقدام را غیر موقع میداند در جای دیگر ولیعهد بدون تأمل می نویسد که میسوی (ایزو لیکی) که در (۱۹۱۴) سمت سفارت که برای روسیه را در پاریس داشته است « پدر بزرگوار جنک جهانی » میانشد

ولیعهد از هیئت دولت و حکومت (هوه انژرون) دفاع کرده میگوید مالکی که در جرگه امپراطوری آلمان داخل بودند هیچ کدام مانند انگلستان و ایتالیا خیال جهانگیری وکشور شکنی در میز نداشته

(امان افغان - سال ششم)

صفحه (۱۱)

شماره (۲۹ - ۲۸)

بعض کاغذ های « مجمع بین الملل سوم کونیکی » هم بود مامورین ریل این اشخاص را وقت داخل شدن و فرار کردن نمیدند .

ایطالیه

یک هیئت از طرف ایطالیه به نیویارک فرستاده شد . رئیس هیئت (دوپی) نام دارد . مقصود از اعزام هیئت مذکور راجع به فرضه های امریکه و ایطالیه است .

شیلی

کابینه جدید حکومت (شیلی) تحت ریاست میسوی (لوئی کنها) تشکیل گردید . در این کابینه میسوی (پارس شاوما) وزیر خارجیه انتخاب شده است .

البانیا

۴۰ ستمبر - وزارت البانیا به ریاست محمد زوگو تشکیل یافت .

* متنوعه

کتاب جدید ولی عهد آلمان (در جستجوی حقیقت) اخیراً ولی عهد آلمان کتبی در تحت عنوان (در جستجوی حقیقت) اشاعه داده و در این کتاب خواسته است معلوم نماید که آیا آلمان حقیقت در جنک تفصیر کار بوده است یا خیر ؟ خبر شر این کتاب از ماه مه بعایه رسیده بود ولی صاحب کتاب خانه که حق طبع آنرا بخود منحصر ساخته بود در کمال خوبی تا امروز (۶ زویه) مانع از آن شده بود که مندرجات آن به خارج نشر پیدا کند . این کتاب هرچند با مضای (ولیعهد کرن برتر) ولی عهد مخلوع آلمان نمیخواست ولی تصور میرود از کتاب فقط امضا متعلق باو باشد و مؤلف این کتاب شخص گنایمی است که خواسته است بدینوسیله جای توجهات عموم را به نماید . مندرجات این کتاب بطور یک انتظار میرفت چندان جیز های تازه نیست . مؤلف خواسته است بطور کلیه جواب این سوال را حل نماید که ایا آلمان فی الحقیقت در اقدام به جنک مقصود بوده با خیر . وروی هم رفته از کلیات صحبت کرده است . در باب اشخاص میرز و رجل سیاسی آلمان هم

بولشویکها در مسکو موزه مهم و مالی تاسیس نموده اند در اینجا یک گوشه اطاقیکه لین درآومتولد شده با گهواره اش و لباسهای پجه کانه اش باضمای کتاب های مدت حیات او فرار باسایر اشیا و آثارش کاملاً موجود واز جمله امانات مقدسه گرفته است.

هر کس در یک کیلو متری مقبره لین ایستاده و توده کنده آهالی را بجهة زیارت قبر و تابوت مشارکه در اطراف عمارت مقبره جمع شده اند تماشا نماید بخوبی میفهمد که در قلوب یک ملتی مانند روس که معتقد به موهومات و خرافات میباشدند چقدر لین موقع مهیماً اشغال نموده است هر روزی قریب به پنجاه هزار نفر از سیری و از مالک و نقاط مختلفه مملکت و سیمه رو سیه کیم بجهة زیارت قبر لین به مسکو مانید یک سیل هجوم آور میشوند و هم در ازدحام مخلوق بقیه است که ورود به توری عمارت تقریباً یک ربع بلکه نیم ساعت طول دارد. دم درب مقبره پس از گرفتن بلیط ورود از پله ها بالارفته وارد یک سالون بزرگی می شوند که در وسط آن صندوقیست و توری صندوق جند مومیاشده لین دراز کشیده اهالی با کمال احترام از یکدر وارد و دور قبر طواف کرده از در دیگر خارج میشوند. (کاپت دو لوزان — شفق سرخ)

دستور تجاری

امروز در بازارهای دنیا معمول و مرسوم است که جلس را تینیزی آن و تینیزی ظرف آن بفروش میسانند یعنی هرجنسی که خود آن، ظرف و لفافه آن تینیز و پاکیزه باشد در صورتی که اصلاً خود جنس چندان اعلاف نباشد بواسطه تینیز ظاهر تصادف با خریدار شده و بزودی بفروش می رسد — تجار ساین مالک مخصوصاً امریکا در صورتیکه کال دقت را هر مرغوبی امتعه تجاری خود دارند سعی واقی وجود کافی در موضوع ظروف و لفافه های اجنبس خود همیشه میباشد — هنلا در موضوع پنه جدیت دارند ذره چوب و خاشک از جوزقه آن مخلوط نشده و پنه تجارت خانه بواسطه داشتن جزوی خاشک معروض بی میل نگردد.

در بازارهای دنیا تینیزی جنس مخصوصاً تینیزی ظرف آن خیلی مهم و اهم مقصد فروش جنس است — آیا هر کام تجار محترم ما برای تینیزی جنس یکقدری اهمیت بگذارند مثلاً کشکش را تینیز تر با جمهه های شیک و لفاف زیبا در بازار خارج میباشند فایده آن متوجه بکیست؟

در مطبوعه ریاست شرکت رفیق طبع گردید

درجای دیگر کتاب اشعار شده است که اگر آلمان در موقع حدوث جنک انگلیس و بوئنی جنوب افریقا یک سیاست مسلط کارانه را تعقیت نموده بود مسلمان جنک ین الملکی خیلی زود ترسورت وقوع پیدا کرده و حتی پیش از (۱۹۱۴) اتفاقهای اروپائی که منتهی به جنک عظیم گردید تشکیلات خود را تکمیل نمینمودند. (ایران)

علاج خرخر در خواب

از امریکا خبر میدهند که برای جلوگیری از «خر خر» در موقع خواب آلتی اختراع شده است. این آلت عبارت است از یک کیسه لاستیک که در قسمت جلو خود سوراخ کوچکی دارد. در موقع خواب این کیسه را در زیر کاوایین غصب وسینه قرار میدهند و از دو طرف آن را بایندی به عقب سرمینندند. بعد سرتامبه های معمولی را بسوراخ متصل گردد. مقداری باد در آن پر میکنند باین وسیله از افتادن غب غب بینه که عات اصلی خر خر است جلوگیری می شود. این اسباب بروجوج آسیاب زحمت را فراهم نیاورده می تواند آن را قات کرده در حیب جلی دله. (نامه فرنگستان)

(مقبره لین)

(وجود لین مومیا شده توری تابوت قرار گرفته مثل یک آدم زنده است که به خواب رفته باشد عموم زایرین باندازه دو به دقیقه دور قبرش را طوف مینمایند)

در وسط میدان قرمن معروف شهر مسکو یک بنای موجود است که قاعده ساختمانش عربیع ولی از هر چهار زاوية بواسطه پله های حلقه ای کم کم عمارت مزبور کم عرض تر شده شکل یک هرمی را تقریباً تشکیل میدهد در فوق این بنادر روی چهارستون بلند مرمریک صندوق مشاهده میشود. بنای مزبور از حیث منتهای سادگی بقیه جا ب توجه است که حق دارد قرار کاه ابدی قائد شهر و زمامداری نظری بولشویکها (لین) معروف که در قاب یکصد و سی میلیون افراد ملت تاترات عمیقه منقوش ساخته واقع شود. لین در نزد کومونیستها بعنایه یک پیغمبر بوده و تالیفات و تصنیفات او در نزد بولشویکها از جمله آثار مقدسه بشمار میزود.

سابقاً در هر گوشه و زاوية خانه و عمارت روسی تصور عیسی و مریم بود حالیه صورت لین جای آنها را گرفته است در کاپه مملکت وسیعه رویکرید بینج بناآخانی وارد نیشوند مگر آنکه عکس لین را مشاهده میکنی هر حال برای لین